



تحلیل فقهی - اقتصادی ربادروام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستی‌های فقه متداول در کشف احکام شارع

دکتر بیژن بیدآباد - عبدالرضا هر سینی

بخش سوم

اشاره

در بخش‌های قبلی، پس از تعریف و تحلیل ربا و بهره از لحاظ اقتصادی و فقهی و از دیدگاه خاص قرآن، به شرح مختصری در باب منابع اساسی استنباط احکام رسیدیم و یادآور شدیم که به طور کلی، قاعده سازی ما با روش‌ها و قواعد فقهی مصطلح و متداول، شاید بیشتر موجب اشکال سازی در نحوه امور زندگانی جامعه می‌شود تا رفع مشکلات آن و ... اینک توجه شما را به ادامه بحث جلب می‌کنیم.

بانک و اقتصاد

بهره

بهره از بُعد اقتصادی، توسط اقتصاددانان زیادی تعریف شده و یکی از مهمترین متغیرهای اقتصادی است که در جهان اقتصاد نقش تعیین کننده‌ای دارد. یکی از نظریات قدیمی، بهره را به عنوان قیمت پول تعریف می‌نماید. گرچه این تعریف در نظریات عامه پذیرفته است، ولی از لحاظ تحلیلی با اشکال مواجه است، زیرا قیمت یک واحد کالا، برابر ارزش یک واحد از همان کالا است و این مورد درباره بهره صادق نیست، چه ارزش یک واحد پول در هر مقطع از زمان مساوی مقدار آن است و ارزش یک واحد پول در یک واحد از زمان برابر ارزش یک واحد پول در مقطع زمان به علاوه ارزش بهره آن است. به این ترتیب، چیزی که ارزش مازاد را در ارزش پول ایجاد می‌نماید، بهره آن در طول زمان است و اگر بهره، قیمت پول باشد، در واحدهای مختلف زمان، می‌تواند از ارزش واحد پول کمتر یا بیشتر باشد که تطابق با مفهوم قیمت ندارد.^{۵۸}

تعاریف مختلف دیگری که از بهره در نوشتارهای اقتصاددانان سلف مشاهده می‌شود، غالباً به نحوی با ماهیت سرمایه‌ای که بهره از آن منتج می‌شود، مرتبط است. به عبارت دیگر، درآمد منتج از دارایی‌های مختلف، کالای سرمایه‌ای، منابع مالی، ثروت، سرمایه انسانی و مدیریت، همگی در تعاریف مختلف نموده‌های متفاوتی پیدا می‌کنند. این امر نیز ناشی از ابهام در تعریف سرمایه است، چه سرمایه خود نیز همانند بهره تعاریف مختلف و مصادیق بسیار زیادی دارد که می‌تواند منبع اختلاف در تعاریف بهره باشد. این تشتت در تعاریف می‌تواند لاقلاً در موضوعات خاصی به نحو مقتضی جهت حل و بحث

موضوع مربوطه محدود شود. برای مثال، زمین یا تکنولوژی را می‌توان در مسأله‌ای از عوامل تولید و جدا از سرمایه تلقی کرد و در مورد دیگری، سرمایه تلقی نمود. از دیدگاه اقتصاددانان نیو کلاسیک، بهره به عنوان اجری است که از تعویق مصرف حادث می‌شود. به عبارت دیگر، سرمایه‌دار از مصرف سرمایه خود در زمان حاضر صرف نظر می‌کند و آن را به وام می‌دهد تا در انتهای دوره، با اصل و فرع سرمایه خود مصرف بیشتری داشته باشد. این تحلیل نیز می‌تواند انگیزه وام دادن را از سمت عرضه منابع سرمایه‌ای مطرح سازد. از سمت تقاضا برای منابع این بحث را می‌توان به این شکل مطرح نمود که سرمایه‌گذار برای اجرای مقاصد سرمایه‌گذاری و تولیدی خود به نحو اعم که به مفهوم تولید یا خلق ارزش افزوده به معنای حسابداری ملی آن می‌باشد، متقاضی منابع مالی است تا بتواند از خلق ارزش افزوده اسمی جدید کسب درآمد نماید. این بخش سمت تقاضا برای منابع را مشخص می‌کند. پس هرگاه نرخ بهره کمتر از نرخ بازدهی سرمایه باشد، سرمایه‌گذار راغب به استقرار خواهد بود. این مکانیزم ساده، مبنای انگیزه وام‌دهی و وام‌خواهی در نظریه نیو کلاسیک‌ها می‌باشد که در نظریات اقتصادی با دیدگاه‌های ریاضی نیز طرح شده است.

از این تحلیل در اینجا استفاده می‌کنیم و با تأکید بیشتری بر تفاوت‌های بهره و بازدهی سرمایه، بهره را منتسب به سرمایه‌های مالی می‌نماییم. سرمایه‌های مالی، سرمایه‌های اعتباری هستند که مربوط به اوراق و اسناد و یا مسکوکاتی می‌باشند که ارزش فیزیکی ناچیزی دارند، ولی از ارزش اعتباری زیادی برخوردار می‌باشند. بازدهی سرمایه را نیز به

هرگاه نرخ بهره
کمتر از نرخ بازدهی
سرمایه باشد،
سرمایه‌گذار راغب به
استقرار خواهد بود.



با وجود بانک، دو بازار به نام بازار منابع سپرده‌ای و بازار منابع اعتباری ایجاد می‌شود.

پس بانک یک واسطه مالی نیست، بلکه یک بنگاه اقتصادی است و در دو بازار فعالیت می‌کند و در هر دو بازار هم بهره، عامل اساسی است؛ یکی، بازار عرضه منابع مالی صاحبان منابع و تقاضای بانک و دیگری، بازار عرضه منابع بانک و تقاضاکنندگان منابع مالی. در بازار اول، نرخ بهره برای منابع سپرده‌ای مطرح است و در بازار دوم، نرخ بهره تسهیلات. به این ترتیب، بانک هم وام‌گیرنده است و هم وام‌دهنده.

حال می‌خواهیم از لحاظ اقتصادی و فقهی بررسی کنیم که آیا شرکت بانک در این دو بازار از بُعد نحوه استفاده منابع، چه الزاماتی را از لحاظ مفاهیم فقهی ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، آیا همه دریافت‌ها یا پرداخت‌های بانک برای دریافت یا پرداخت وام ربوی تلقی می‌شوند؟ و در چه حالات کلی این عملیات غیر ربوی خواهند بود؟ به این منظور به تطبیق و مقایسه مفاهیم بهره و ربا و سود خواهیم پرداخت.

ربا

ربا در لغت به معنی "زیادی" است. در لسان‌العرب^{۶۰} آمده: «وَالْأَصْلُ فِيهِ الزِّيَادَةُ مِنَ الرِّبَا الْمَالِ إِذَا زَادَ أَوْ زُتِفَ وَ نَمًا»، یعنی «ربا در لغت به معنای یک نوع زیاده است که در اموال و ثروت به وجود می‌آید.» در لغت‌نامه دهخدا^{۶۱} ربا به معنی سود و نفع زر (به نقل از برهان قاطع) آورده شده است. المنجد نیز ربا را به معنای افزایش وزیادی به طور مطلق معنا کرده است. در "قاموس المحيط" نیز آمده است: ربا در لغت به معنی مطلق زیادی است و رایبه که از ریشه ربا (ربو) در آیه «فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً»^{۶۲} آمده است، به معنای "زیادی" است. در لغت‌نامه دهخدا ربا به عنوان یک کلمه عربی و مصدر به

هر نوع سرمایه به مفهوم اعم آن منسوب می‌نماییم، یعنی سرمایه را عامل تولیدی تلقی می‌کنیم که می‌تواند در کنار سایر عوامل تولید دسته بندی شده به خلق ارزش بپردازد. سرمایه‌های مالی نیز خود می‌تواند جزیی از این سرمایه به مفهوم عام آن تلقی شود.

حال عنصر ثالثی را به نام واسطه مالی یا بانک تعریف می‌نماییم که وظیفه تلاقی عرضه و تقاضای منابع مالی را به عهده می‌گیرد. وظیفه بانک یا واسطه مالی، جمع‌آوری منابع عرضه‌کنندگان سرمایه‌های مالی و فروش این منابع به سرمایه‌گذاران می‌باشد.^{۵۹} اگر بانک در این بازار به عنوان یک واسطه عمل می‌کرد، یعنی درصدی از پرداختی‌های بهره‌ای سرمایه‌گذار به دارنده منابع مالی را به عنوان حق‌العمل از یک یا دو طرف معامله دریافت می‌نمود، به وضعیت ساده‌ای می‌رسیدیم که از لحاظ فقهی نیز بسیاری از مشکلات تحلیلی آن رفع می‌گردید، ولی بانک عملاً به عنوان حداکثر کننده سود عمل می‌کند تا دریافت کننده سود ثابت ناشی از حق‌العمل کاری مالی. به عبارت دیگر، به جای اینکه برای بازارهای مالی یک طرف عرضه و یک طرف تقاضا داشته باشیم، دو طرف عرضه و دو طرف تقاضا داریم، یعنی بانک خود به عنوان تقاضاکننده منابع و عرضه‌کننده منابع هر دو عمل می‌نماید. به عبارت دیگر، با وجود بانک، دو بازار به نام‌های بازار منابع سپرده‌ای و بازار منابع اعتباری ایجاد می‌گردد.

بانک به عنوان حداکثر کننده سود، تلاش بر این دارد تا فاصله نرخ بهره سپرده‌ها و نرخ بهره اعتبارات بیشتر شود. هر چه این فاصله تعریض گردد، درآمد بانک افزایش می‌یابد و هر چه رقابت در بانکداری افزایش یابد، این فاصله کمتر می‌شود.

معنای افزون شدن و نشو و نما کردن به نقل از غیث اللغات و منتخب اللغات و مصادر اللغه زوزنی نیز ترجمه شده است. در معجم مفردات الفاظ القرآن، ربا در لغت به معنی زیادتی بر رأس مال معنی شده، اما در شرع افزایش مال به قسمی که دلیلی بر آن نباشد، معنی شده است.^{۶۳}

ربا در قرآن

آیات زیر در قرآن کریم درباره ربا نازل شده است:

۱- مَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ^{۶۴}؛ یعنی آن زیادتی که شما دادید که بر اموال مردم بیفزاید، نزد خدا هرگز نیفزاید و آن زکوتی که برای خدا می‌پردازید، آنها مضاعف خواهند شد.

علامه طباطبایی،^{۶۵} ربا در این آیه به معنی نمو مال و زیاد شدن آن معنی می‌کند و بیان می‌دارد که مراد از ربا در این آیه، ربای حلال، و مراد از زکات، زکات واجب است که به قصد رضای خدا داده شود و اضافه می‌نماید که در صورتی این ترجمه صحیح است که این آیه مکی باشد و اگر در مدینه نازل شده باشد، مراد از ربا همان رباخواری حرام و مراد از زکات همان زکات واجب است و سپس ذکر می‌نماید که این آیه و آیات قبلش به آیات مدنی شبیه‌ترند تا به آیات مکی، و اینکه بعضی ادعای روایت یا اجماع منقول در این باب کرده‌اند، اعتباری بر گفتارشان نیست.

۲- وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ

وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^{۶۶}؛ یعنی ربا می‌گرفتند و نهبی شده بودند از آن و اموال مردم را به باطل می‌خوردند و ما برای کافرینشان عذاب دردناکی مهیا کرده‌ایم.

۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^{۶۷}؛ یعنی ای کسانی که ایمان آوردید، ربا را به اضافه مضاعف مخورید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید و بترسید از آتش که برای کافران مهیا شده. خدا و رسول را فرمان برید، باشد که مورد رحمت واقع شوید.

۴- الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَالِكِ بَأْنَهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^{۶۸}؛ یعنی کسانی که ربا می‌خورند، به پای نمی‌خیزند (قیام نمی‌کنند) جز مانند کسی که با تماس با شیطان آشفته شده است. این به واسطه آن است که گفتند: داد و ستد مثل ربا است و خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام کرده، پس هر کس که پندی از جانب پروردگارش به او آمد و باز ایستاد، برای اوست آنچه گذشته و کار او با خداست و کسی که باز گشت، آنانند یاران آتش که در آن جاویدانند.

۵- يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ^{۶۹}؛ یعنی خداوند، ربا را نابود و صدقات را افزون می‌کند و خدا هیچ ناپسندی بزه‌کار را دوست ندارد.

۶- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن

بانک، یک واسطه مالی نیست، بلکه یک بنگاه اقتصادی است که در دو بازار فعالیت می‌کند و در هر دو بازار هم بهره‌عامل اساسی است.





كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتِغُوا فَلَئِمَّ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تَظْلَمُونَ وَإِنْ كَانَ دُوعُسْرَهُ فَنظْرَةً إِلَى مَيْسَرِهِ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^{۷۰}، یعنی ای کسانی که ایمان آوردید، تقوا ورزید و آنچه از ربا مانده، واگذارید اگر مؤمن هستید. و اگر نکردید، پس جنگی از خدا و پیغمبرش را خواسته‌اید. و اگر توبه کردید، برای شماست اصل اموالتان. نه ستم کنید و نه ستم ببینید و اگر تنگدستی بود، پس مهلتی تا فراخ دستی به او بدهید و چنانچه بدو ببخشید، برای شما بهتر است اگر بدانید.

تعریف فقهی ربا

فقه‌های شیعه و سنی در حکم ربا اتفاق نظر دارند و حرمت آن را به کتاب خدا و سنت، یعنی کلمات معصومین و اجماع مسلمین ثابت شده می‌دانند. محمد حسن نجفی^{۷۱} و آیت الله خمینی^{۷۲} بر این نظرند که: بعید نیست حرمت ربا از ضروریات دین باشد.

در اصطلاح فقهی، ربا عبارت است از دریافت زیادی در مبادلات دو کالای هم جنس که موزون و مکیل باشند و یا دریافت اضافی در قرض. الزیاده علی رأس المال من أحد متساویین جنساً مِمَّا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ^{۷۳}. محقق حلی در مختصر النافع در تعریف ربا می‌نویسد: وَبَيَّتُ [الرِّبَا] فِي كُلِّ مَكِيلٍ أَوْ موزونٍ مَعَ الْجِنْسِيَّةِ وَ ضَائِبِ الْجِنْسِ مَا يَتَاوَلُهُ إِسْمٌ خَاصٌّ، یعنی ربا ثابت می‌شود در هر چیزی که مکیل و موزون باشد با جنس خودش [و اگر زیادی باشد، ربا است] و معیار جنس واحد این است که اسم خاص شامل او بشود. در شرایع الاسلام در تعریف ربا آمده است: وَهُوَ يُبَيَّتُ فِي الْبَيْعِ وَصَفَيْنِ: الْجِنْسِيَّةِ وَ الْكَيْلِ أَوْ الْوِزْنِ، فِي الْقَرْضِ مَعَ اشْتِرَاطِ نَفْعٍ، یعنی ربا با دو وصف در بیع ثابت می‌شود: ۱- جنس، ۲- موزون و مکیل بودن، و در قرض نیز با شرط نفع ثابت می‌شود. شهید اول^{۸۰} در لمعه دمشقیه در تعریف ربا می‌نویسد: الْمُتَجَانِسَانِ إِذَا قَدَّرَا بِالْكَيْلِ أَوْ الْوِزْنِ وَ زَادَا أَحَدُهُمَا، یعنی ربا دو متجانس (هم جنس) هرگاه با کیل یا وزن اندازه‌گیری شوند و درحالی که یکی از آن دو جنس از دیگری بیشتر باشد، ثابت می‌شود.

در تقسیم‌بندی ربا، بین علمای مذاهب اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. آیت‌الله خمینی^{۷۴} ربا را به دو قسم می‌داند: یکی، ربای معاملی و دیگری، ربای قرضی. ربای معاملی آن است که جنسی را که مثلی است، بفروشد در مقابل همان جنس با وزن بیشتر یا به همان وزن به ضمیمه چیز دیگر، مثل اینکه یک تن گندم را بفروشد به دو تن و یا یک تن و یک درهم. سپس ادامه می‌دهند: «اقوی آن است که ربای معاملی مختص به بیع نیست، بلکه در سایر معاملات چون صلح و امثال آن نیز جریان دارد و حرمت این قسم ربا دو شرط دارد: شرط اول این است که جنس مورد معامله به حسب عرف واحد باشد. بنابراین، هر چیزی که به نظر عرف گندم یا برنج یا خرما و یا انگور بر آن صادق باشد و عرف آن را یک جنس بدانند، جایز نیست مقداری از آن را در مقابل بیش از مقدار بفروشند، هر چند که در صفات و خواص مختلف باشند، مثل گندم ممتاز و گندم معمولی... و شرط دوم اینکه، جنس مورد معامله مکیل و

یا موزون باشد. بنابراین، در جنسی که با عدد سنجیده می‌شود و یا با مشاهده خرید و فروش می‌شود، ربا نیست.»
بنابراین، شرط نخست تحقق ربای معاملی، مکیل و موزون بودن شیئی مورد معامله است. این شرط نزد فقه‌های متقدم و متأخر مشهور است و اکثراً بر این عقیده‌اند. مرتضی مطهری^{۷۵} و محمدباقر صدر^{۷۶} معتقدند که ربا در معدودات نیز جاری است. در بین متقدمان، شیخ مفید^{۷۷} نیز ربا را مکیل و موزون منحصر نمی‌داند. علت انحصار مکیل و موزون بودن شیئی مورد معامله در تحقق ربای معاملی، استناد به یک دسته روایات است که در آنجا مکیل و موزون بودن را در ربای معاملی منحصر کرده است، از جمله روایت لا یكون الرِّبَا الا فیما یُکَالُ أَوْ یوزَنُ^{۷۸} است، یعنی ربا در اشیایی می‌آید که فقط با پیمانانه یا وزن، اندازه‌گیری می‌شوند. دسته دیگری از روایات، ربای معاملی را در اشیایی که مکیل و موزون نیستند (در معامله بر اساس شمارش، متر یا مشاهده تعیین می‌شوند) نفی کرده، معامله آنها را با مقدار بیشتر در پک طرف، بدون اشکال شمرده‌اند.^{۷۹} حضرت فرموده‌اند: لا بأس مالم یکن فیہ کیل ولا وزن^{۸۰}، یعنی مادامی که به نحو پیمانانه یا وزنی معامله نشوند، بدون اشکال است. و این موضوع به مفهوم این است که کالا هنگام تحویل و هنگام پس گرفتن، وزن نشود.^{۸۱}
شرط دیگری که در تعریف آیت‌الله خمینی ذکر شده، اتحاد در جنس می‌باشد. استناد ایشان به آن دسته از روایاتی است که برای تحقق موضوع ربا در معاملات اعلام می‌دارد که: دو شیئی مورد معامله باید از یک جنس باشند. از آن جمله

فقه‌های شیعه و سنی در حکم ربا اتفاق نظر دارند و حرمت آن را ثابت شده می‌دانند، اما در تقسیم‌بندی ربا، بین علمای مذاهب گوناگون، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد.



روایت: دَرَاهِمٌ بِدَرَاهِمٍ مِثْلِينَ بِمِثْلِ وَ حَنْطَهٌ بِحَنْطَهٍ مِثْلِينَ بِمِثْلِ، یعنی معامله دو برابر درهم در مقابل یک برابر و دو برابر گندم در مقابل یک برابر، ریاست^{۸۲}. در حدیث دیگری است که: إِذَا اخْتَلَفَ الشَّيْئَانِ فَلَا بَأْسَ بِهِ مِثْلِينَ بِمِثْلِ^{۸۳}، یعنی اگر دو شیئی مورد معامله مختلف باشند، معامله آنها همراه با زیادی - دو برابر در مقابل یک برابر - اشکالی ندارد. رویهمرفته، روایات در این باب فراوان و دلالت آنها بر این شرط روشن است، به طوری که هیچ اختلافی بین متقدمان و متأخران از علما در لزوم این شرط برای تحقق موضوع ربا نقل نشده است.

در مبحث ربای قرضی هم در تعریف آن گفته اند: هر گونه زیادی که در قرض شرط شود، اعم از اینکه آن زیادی عین یا کالا باشد، مثلاً ده درهم در مقابل دوازده درهم؛ یا عمل باشد، مانند ده درهم در مقابل ده درهم و دوختن لباس؛ یا انتفاع و منفعت بردن باشد، مانند ده درهم در مقابل ده درهم و انتفاع از شیئی که نزد مقرض به رهن گذاشته است؛ یا آن که زیادی صفت باشد، چنانکه شرط کند در مقابل شیئی که نه قرض داده شده، تازه آن را دریافت کند. در ربای قرضی، فرقی بین کالاهای مکمل، موزون، معدود و مشاهد نیست.^{۸۴}

ادامه دارد

شرط نخست تحقق ربای معاملی، مکمل و موزون بودن شیئی مورد معامله است.

زیر نویس ها

- (۵۸) Turgot A.R.J. (۱۷۲۸-۱۷۸۱) نیز با این نظریه قدیمی موافق نیست. وی بهره را به عنوان بهای استفاده از ارزش دارایی در یک دوره زمانی معین تعریف می نماید. نگاه کنید به توتونچیان، ایرج / ۱۳۷۹ / صفحات ۲۰۱-۲۰۰.
- (۵۹) نگاه کنید به: (۲۰۰۰) Muhammad Nejatullah Siddiqi
- (۶۰) لسان العرب / ابن منظور / جلد ۱۴ / صفحه ۳۰۵.
- (۶۱) علی اکبر دهخدا / چاپ مؤسسه دهخدا.
- (۶۲) سوره حاقه / آیه ۱۰.
- (۶۳) راغب اصفهانی / معجم مفردات الفاظ القرآن / صفحه ۱۹۲ / انتشارات دارالفکر بیروت / لبنان.
- (۶۴) سوره روم / آیه ۳۹.
- (۶۵) علامه طباطبایی / تفسیر المیزان، ذیل همین آیه.
- (۶۶) سوره نساء / آیه ۱۶۱.
- (۶۷) سوره آل عمران / آیات ۱۳۲ و ۱۳۰.
- (۶۸) سوره بقره / آیه ۲۷۵.
- (۶۹) سوره بقره / آیه ۲۷۶.
- (۷۰) سوره بقره / آیات ۲۸۰ و ۲۷۸.
- (۷۱) جواهر الکلام / محمد حسن نجفی / دارالکتب الاسلامیه / چاپ ششم.
- (۷۲) تحریر الوسیله / ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی / مؤسسه انتشارات دارالعلم / قم / چاپ سوم / ۱۳۷۵.
- (۷۳) ادوار فقه / استاد محمود شهابی / به نقل از کنز العرفان.
- (۷۴) تحریر الوسیله / ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی / مؤسسه انتشارات دارالعلم / قم / چاپ سوم / ۱۳۷۵ / صفحات ۶۸-۶۴.
- (۷۵) مرتضی مطهری / مسأله ربا / صفحات ۷۸ و ۷۹.
- (۷۶) سید محسن حکیم / منهاج الصالحین، با حاشیه سید محمدباقر صدر / جلد ۲ / صفحه ۷۱.
- (۷۷) مفید / المقتعه / صفحه ۶۰۵.
- (۷۸) از امام صادق (ع) در کتب اربعه (با کمی تفاوت در روایان سندها) نقل شده است.
- (۷۹) منصوبین حازم از امام صادق (ع) درباره معامله یک گوسفند با دو گوسفند و یک تخم مرغ با دو تخم مرغ پرسید.
- (۸۰) حر عاملی / وسایل الشیعه / جلد ۱۸، باب ۶ از ابواب ربا / صفحات ۱۳۲ و ۱۳۳.
- (۸۱) از آن جمله روایتی در زمینه کالاهایی است که مکمل و موزون نیستند و پرسش شده است: عن ابی عبدالله (ع) قال: سألته عن البیضه بالبیضتین؟ قال لا بأس به، والتوب بالثوبین، قال لا بأس به، والفرس بالفرسین، قال لا بأس به. از امام صادق (ع) درباره معامله یک عدد تخم مرغ با دو عدد از آن و یک لباس با دو لباس و یک اسب با دو اسب پرسیدم، فرمود: اشکال ندارد. ر. ک. طوسی / تهذیب الاحکام / جلد ۷ / باب ۸ از ابواب التجاره / صفحه ۱۴۱ و حر عاملی / وسایل شیعیه / جلد ۱۸ / صفحه ۱۵۳ / باب ۱۶، از ابواب ربا.
- (۸۲) راوی از امام صادق (ع) پرسیده است: ربا چیست؟ وسایل الشیعه / جلد ۱۸ / باب ۶ از ابواب ربا / صفحه ۱۳۴.
- (۸۳) وسایل الشیعه / جلد ۱۸ / باب ۹ از ابواب ربا / صفحه ۱۴۰.
- (۸۴) روح الله موسوی الخمینی / تحریر الوسیله / جلد ۳ / صفحات ۲۱۴ و ۲۱۸.